



درس یازدهم: نقش خردمندان

خانمان سوز: ویرانگر

مغولان: اقوامی زرد پوشت با چند طایفه که در قسمت آسیای شرقی بودند

سایه وحشت: اثر ترس، نشانه ی بیم و هراس

هراس انگیز: ترسناک، وحشتناک

قتل عام: کشتار گروهی، قتل دسته جمعی

آشوب: فتنه، شور و غوغا

هلاکو: اسم یکی از نوادگان چنگیز خان

قلب مردم را در هم فشرد: به کنایه مردم ایران را ناراحت کرد

دینار: سکه طلا، پول و ثروت

مشاور: راهنما

زیرکانه: خردمندانه

ایجاد کند: به وجود آورد، بسازد

عجیبی: شگفت آور

تشتی: ظرف های بزرگ و پهن

مامور کرد: کسی را به انجام کاری گذاشتن

قلعه: ساختمان محکم و بلند برای دفاع از

دشمن ساخته می شد

مهیب: ترسناک

گمان می کردند: تصور می کردند

حادثه ی ناگوار: پیش آمد ناپسند

حوادث: رویدادها، اتفاق ها

پیش بینی: غیب گویی، عاقبت اندیشی

امکانات: ابزارها و شرایط مناسب

جذب: چیزی را به سوی خود کشیدن،

کشش

رصدخانه: مکانی که در آن ستاره شناسان

ستارگان را مشاهده و بررسی می کنند

مراغه: نام شهری است

به کار گیرد: استفاده کند

شمار کتاب: تعداد

چیرگی: برتری، تسلط

نسخه برداری: رونویسی کردن

همت: قصد و اراده

آثار: جمع اثر، نشانه ها

از میان می رفت: نابود می شد

ولایت: سرزمین

تدبیر : اندیشیدن به منظور پیدا کردن راه حل

تاسیس کردن : بنا کردن ، پایه گذاری کردن

اداره می شدند : مدیریت می شدند

نظامیه : مدرسه های تاسیس شده توسط نظام

الملک

تحصیل کرده است : درس خوانده است

تحقیق : مطالعه

پر فروغ : پر نور

واژگان مخالف:

آلوده # نشست
نیازمند # بی نیاز
پر فروغ # کم فروغ

پاک # برخاست
دشمن # دوست
معروف # گمنام

سایه # آفتاب
اندوه # شادی
خواب # بیدار

واژگان هم خانواده:

حکومت: حاکم
مدارس: مدرسه ، درس
عظمت: عظیم، معظم

جامعه: جمع ، جوامع
حادثه: حوادث
لطف: لطیف

قتل: قاتل ، مقتول
عجیبک عجب ، عجایب
تحصیل: حاصل ، محصول